

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد

سوره مبارکه احزاب (جله دوازدهم)

جله خانوادگی - اسناد اخوت ۱/۱۳/۹۷

صلوات

در مورد صلوات نکته‌ای وجود دارد که خیلی جالب است. در آیه ۴۳ سوره مبارکه احزاب، خارج شدن از ظلمات به نور را غایت صلوات معرفی می‌کند. در آیه ۵۶ این سوره مطرح می‌شود که مومنین صلوات بفرستند و تسلیم او باشند. در آیه بعد می‌فرماید تسلیم باشند و اذیت نکنند. اگر در قرآن همین بحث را ببینیم، در سوره بقره در آیه الکرسی می‌فرماید که کسی که از طاغوت اعراض کند و به خدا ایمان بیاورد، نوعی خارج شدن از ظلمات به نور است. سوره مبارکه مائده آیه ۱۶ هم خطاب به اهل کتاب است. تا به «یهدی الی الله» می‌رسد و از خروج ظلمات به نور می‌گوید. تبعیت از رضایت و رضوان خدا. در سوره مبارکه انعام هم به طور مفصل در مورد ظلمات و نور صحبت می‌کند. با ضیق صدر مرتبط می‌شود. در سوره مبارکه ابراهیم آیات اولیه که در آن، کتاب وساطت می‌کند. آیه ۵ سوره ابراهیم بحث تشکیل حکومت و حاکمیت را مطرح می‌کند و مجموعه این‌ها هیچکدام نافی یکدیگر نیستند و هر کدام موبد دیگری است و در کنار هم هستند. باید پیامبری باشد که حاکمیت و حکومتی ایجاد کند و امر و نهی را از کتابی صادر کند و مردمی تبعیت کنند تا از ظلمات به نور خارج شوند. این فرآیند را **صلوات** گویند.

- ✓ اگر در جامعه توحید را به نحوی ارتقا داد به نحوی که مردم ولی خود را خدا قرار دهند و از اولیای طاغوت برائت پیدا کنند یعنی صلوات.
- ✓ اگر در جامعه دینی قرآن را به گونه‌ای طرح کرد که مردم بتوانند به آن رجوع کنند و آن را در زندگی جاری کنند یعنی صلوات.
- ✓ صلوات یک لفظ نیست، یک حقیقت جاری است. این حقیقت ارتقا فهم کتاب است. هرچقدر انسان میل به تبعیت بیشتر از رضوان داشته باشند و ما در گسترش این میل بیشتر سهمیم یعنی صلوات.
- ✓ صلوات فرستادن یعنی اینکه کاری کن تا همه مردم میل شان به تبعیت از رضوان خدا بیشتر شود.

✓ خود خدا و ولایت خدا، کتاب و تبعیت از رضوان و خود رسول. هر چقدر در جامعه‌ای نقش پیامبر در زندگی پر رنگ‌تر باشد و نقل مجالس باشند این یعنی صلوات.

در هر کدام از سوره‌هایی که ذکر شد به صورت کاربردی موردی ذکر شده است که نشان می‌دهد که خدا چگونه ولی‌ای است. و چگونه باید از رضوان خدا تبعیت کرد و... این آیات با سوره‌هایی که گفته شد این موضوع را مطرح می‌کند. در سوره مائده بحث حکم در حوزه طیبات منجر به گسترش رضوان خدا می‌شود. دقت داشتن بر روی طعام و استفاده از حلال طیب. حکم غیر خدا را نپذیرند. مثلاً آیا مجوز دارم هر کتابی بخوانم؟ هر کلاسی بروم؟ و...

آیات ۵۹ تا ۶۹

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۹)

این آیه‌ای مشهور در مورد حجاب است و از حالت اختصاصی برای زنان پیامبر به همه زنان دیگر سریان پیدا می‌کند. پیامبر شیوه حکومتش گسترش حاکمیت توحید است تا هر جایی که بعد داشته است و این حکم در همه آنها جاری می‌شود. و خود این از مفاهیم صلوات می‌شود، اینکه حکم پیامبر را برداری و در جایی مستقر کنی. در واقع باید حرف را شنید و تبعیت کرد و برای دیگران وساطت امر خدا را داشته باشد. ما نوعاً نسبت به وساطت دین و امر خدا، دید منفعلانه داریم. خوب است که مهارت‌های لازم را در این زمینه یاد گرفت. رسانای دین و احکام شدن یعنی گسترش دین و احکام.

بینیم مفهوم اذیت در ادامه آیات چگونه دنبال می‌شود. اذیت پیامبر علم مخالفت با حکم خداست.

حجاب داشته باشید که خودتان اذیت نشوید. اذیت شما، اذیت رسول است. در جامعه رسول باشی و مورد تعرض قرار بگیری، گویی رسول اذیت شده است.

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (۶۰)

اگر شما جلوی منافق را نگیرید او بیکار نخواهد بود و کل جامعه را آلوده می‌کند و منجر به پراکندگی افراد از اطراف رسول می‌شود.

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أَخَذُوا وَقَتَلُوا تَقْتِيلًا (۶۱) سِنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ تَجِدَ لِسِنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۶۲) يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (۶۳) إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَآمَدَ لَهُمْ سَعِيرًا (۶۴) خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۶۵) يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَآمَرْنَا الرَّسُولَ (۶۶) وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا (۶۷) رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (۶۸) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا (۶۹)

یک نفر در یک فضا و بستری کار خیلی خوبی را انجام می دهد مثلا راستگویی. این راستگویی خیلی خوب است. دروغ گفتن تبدیل می شود مثلا به منفعت مالی. حالا اگر در این شرایط هم فرد راستگو باشد، ارزش راست گویی او چندین برابر می شود. متغیرهایی که در جامعه تغییر می کند، وزن یک عمل را سنگین تر یا از سنگینی می اندازد. اگر در جامعه ای دروغ گویی زیاد باشد، وزن دروغ گویی فرد در این جامعه زیاد می شود. چون دروغ یک خاصیت مضاعف علاوه بر دروغ گویی دارد و آن انتقال دروغ گویی به دیگران و ایجاد جو دروغ در آن جامعه است. این یک قاعده است.

عمل در بسترها مختصات پیدا می کند. زمانی کاری در بستری خیلی ارزش می یابد. در کربلا صبر حضرت زینب (سلام الله علیها) خیلی ارزش دارد. این صبر از همه انبیاء بالاتر می رود.

کسانی که در شرایط اضطراب نمازشان را می توانند حفظ کنند، این نماز ارزش خاصی می گیرد. نماز به هیچ قیمتی نباید فوت شود.

اینکه انسانها رزق حلال و طیب در این زمان داشته باشند، دیندار بودن، محجبه بودن در این زمان خیلی ارزش دارد. ممکن است نادیده گرفتن حکم شرعی در شرایطی معادل با کاری باشد که منافق می کند. و این گناه در این شرایط که رسانای منافق است با منافق یکی شود. مثلا از بی حجابی در این زمان، برداشت همراهی و تایید منافق است. نمی توان گفت غافل بودیم و امانت دار نبودیم. چرا غافل بودی و چرا نمی دانستی؟ «مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أَخَذُوا وَقَتَلُوا تَقْتِيلًا» تهدید آن وجود دارد. در زمان نزول آیه چنین اتفاقی نیفتاده است اما می خواهد آستانه تحریک را بالا برد که کاری نکنید که تایید کننده او باشد.

در زمانی زندگی می‌کنیم که در جامعه دارای مشکلات وسیعی است. در این شرایط نزول نگرفتن و پول قرض دادن و ... خیلی ارزش دارد. کسی که کار تولیدی می‌کند، کسی که از اجناس ملی خرید می‌کند با اینکه می‌داند عیب دارد اما باز هم می‌خرد این‌ها ارزش دارد و در این شرایط عمل وزن می‌گیرد.

حکم‌هایی که جنبه عقلانیت دارد مثل حفظ امانت که خود فرد می‌فهمد را «ارشادی» می‌گویند. ارشادی خیلی مهم است. حکم‌های بدیهی عقلی که حتی بدون گفتن شارع هم فهم می‌شود و در واقع حکم موکد است، نه ارشادی. چون خیلی مهم بوده است و خدا هم تاکید کرده است. ارشادی شدن حکم خیلی به آن اتفاقاً وزن می‌دهد.

«ارشادی» یعنی حکم فطری که بدیهی است باید رعایت شود و خدا هم آن را تاکید کرده است. انواع ارشادی وجود دارد. ارشادی در ذات شیء، ارشادی در رابطه شیء و ارشادی در کارکرد آن شیء. پس سه مدل حکم ارشادی وجود دارد. هر شیء‌ای این سه را دارد یعنی در ذات و رابطه و کارکرد. گاهی شارع ردیفی حکمی می‌دهد که هر سه این موارد را تایید می‌کند. یعنی اگر کسی تجزیه و تحلیل کند، شش حکم در خودش دارد و نه یک حکم. هر موجودی در تکوین در این عالم در ذات، در نسبت و در غایتش «خلق فسوی قدر فهدی» است. احکام در هر سه مورد می‌تواند بیاید.

از کارهایی که افراد در **تدبر در قرآن** باید افراد انجام دهند، استخراج باید و نباید است. از دو جهت باید این استخراج صورت گیرد. استخراج حکم طبعی کنند که استخراج حکم در ذات و نسبت و غایت چیزی است. بعد باید استخراج حکم شرعی کند.

گاهی حتی برخی از بحث‌های علمی هم قیمت می‌یابد مثل همین بحث ارشادی و مولوی. اگر کسی در این زمان به آن علم نداشته باشد، خیلی متضرر می‌شوند. بر اساس این حرف دشمن وارد می‌شود.

آیات ۷۰ تا ۷۳

در ایام فتنه و بلا خواهشا جلوی حرف زدن‌های اضافه را بگیرید و در انتقال حرف‌ها دقت داشته باشید. اگر کسی تقوا داشته باشد و جز حرف سنجیده چیزی نگوید، خاصیت‌های ویژه پیدا می‌کند و همین باعث اصلاح اعمال می‌شود. در چنین فضایی که جامعه آلوده است، قول که سدید شود، عمل صالح می‌شود و همین می‌تواند اثرات ذنب را بپوشاند و فرد از ناحیه قول می‌تواند به اطاعت خدا و رسول برسد.

امانت را خیلی‌ها ولایت می‌دانند. مطرح شدن بحث جبال در اینجا مهم می‌شود. بحث ظلوم و جهول بودن انسان در این آیه چیست؟ این‌ها بحث حکم طبعی است. طبعش پذیرفت. چه خصوصیتی در طبعش بود که پذیرفت؟ اینجا محل جولان تفکر است. چرا در آیه بعد، از عذاب منافقین می‌گویند؟ عده‌ای مومن شدند و عده‌ای هم منافق و مشرک شدند. انتهای سوره شبیه به سوره نصر می‌شود.

تعیین در فرج امام زمان (عج) صلوات